

والله اعلم بالصواب

كتاب مختار من مختار

الشيخ

الشيخ

والله اعلم بالصواب

والله اعلم بالصواب

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على
محمد وآله اجمعين اما بعد اين كتاب مشتمل است
بر آنكه حكما از كتب قدما اختيار کرده اند و فوائد
بسيار در ضمن هر حرفي مرقوم و معلوم ميشود
از سر مرزي كثرتي و از سر اش رتي بشارتي
مستفا دست يقين كه چون بچاپ تمسك آهند

از اين پس دل بند بهره مند شود و متصف بعبادت
پسندين و اخلاق حميده كه شعار ارباب دين
دثار الباب ملك و ملت است كرده ايم
و اثنى كه سعادات دو جهاني و دولت جاوداني
واصل شود و اين پايه مستقي است تجھے انوار
و مہو بست چهل باب و ہر باب چہار نصيحت
و بآئند التوفيق و انكه چہار خبر
پادشاسي را نگاه دارد رعایت و محافطت
دين و زير بامگين كند داشتن غم كه داشتن

حزم باب دوم در آنکه چهارچهره شوان

کرد الّا چهارچهره پادشاهی شوان کرد الّا

بعدل دشمن ملک شوان کرد الّا بدو پستی محبت

شوان فرو و الّا بتواضع برادر شوان سپید الّا

بصبر باب سوم در آنکه چهارچهره را از

چهارچهره نیست پادشاهی را از پستی

وزیر را از امانت لشکر را از تربیت رعیت را

از رعایت باب چهارم در آنکه چهارچهره را

بچهار جبر حاجت است پلاطین ابا وزیران

با صلاح و لیس را از اصلاح اسپ را بتازی

تغ را بقصص باب پنجم در آنکه چهار

چهره راورد و باید ساخت دوست را بدست آورد

با همه پس نکویی کردن در آبادانی کوشیدن

بر خلق خدای بخشودن باب ششم

در آنکه چهارچهره نباید کرد تا چهره نباشد رجوع

کار را بنایان نکویی با کسان در

کار را بتجسس فتنه و فجور و عصیان

در آنکه چهارچهره بر همه خلق نیکوست

عدالت و راستی و داد عقل و حلم و سحر
صبر و سکون و تحمل حیا و شرم **باب ششم**
در آنکه چهار چیز بر همه خلق نه زیباست حد
و چید بر مردم کبر و نخوت و عجب خشم و غضب
کیالت و بی نمازی **باب هفتم** در آنکه
چهار چیز آفت سلاطنت غفلت امیران
خیانت وزیران کستانخی حقیران چپ
نظیران **باب هشتم** در آنکه با که مدارا
باید کرد با سلطان پشمار با مردم بهار با ^{طایفه} _{بایه}

ناشیار با یارین کوکار **باب نهم**
در آنکه چهار چیز موجب ثبات سلطنت است
عدالت و شجاعت مروت و قوت
پنجاوت و عطیت مرحمت و شفقت **باب دهم**
در آنکه چهار چیز موجب نیکبختی است
اصل پاک دل پاک دست پاک راستی مقيم
و طبع سلیم **باب یازدهم** در آنکه
چهار چیز موجب جمعیت امن استقامت
نعمت فراغت **باب چهاردهم**

در آنکه چهارچین اصل دولت است فرود آ
تاید آسمانی امام برکین احکام پسندیده
باب یازدهم در آنکه چهارچین نشان
بخشیت کاهلی جاپی ناکسی بی کس
باب شانزدهم در آنکه رعایت چهار
چین شرط است بر همه پس طاعت نصیحت
شفقت امانت باب هفدهم در آنکه
چهارچین بشتادمانیت نواخت سلطان
دعای زاهدان شنای زیرکان دید

دوستان **باب بیستم** در آنکه چهار
چین است که بدان مغرور نباشد قرب
سلطان زهد شایان نصیحت حاسدان
دوستان **باب بیست و یکم** در آنکه
چهارچین کارها تمام کند پوشتن بزرگان
تکدر در دوستان تدبیر استان شنیدن حد
دوستان **باب بیست و دو** در آنکه چهارچین
دلیل الهی است خوشن بینی و کبر عیب
دیگران چپن بخلی کردن از پله امید

داشتن بپست و نیم در آنک
چار چیز دلیل سعادتست قول و عهد درست
تواضع در همه حال پنی در کسب حلال
نمکه داشتن از باب پست و دوم در آنکه
چار چیز دلیل شقاوتست صحبت داشتن
با جاهلان دوستی کردن با بدان نصیحت شنیدن
از فضولان عمل کردن بقول زان باب
پست و سوم در آنکه از چهار چیز احتراز باید
از شتاب و تعجل از خشم و غضب از بخل

و امساک از عجب و تکبر باب پست و چهارم
در آنکه چهار چیز موجب فلاکت است خست و
غیبت کردن حید و وفات نمودن تکبر و تجو
طمع و شهوت باب پست و پنجم در آنکه
چار چیز موجب ترقی و ثروتست با دوستان
مروت با دشمنان ارا ترک هوا و آرزو
تحمل و صبر در قصص یا باب پست و ششم
در آنکه چهار چیز را تغییر ممکن نیست گردانیدن
قضا و قدر را باطل کردن حق را سبک

کردن بخور را خشنود کردن خلق را

سیستم دوم در آنکه چهار چیز خرد نماید

و بزرگاپست دشمن آتش پیماری

دانش باب سیستم هشتم در آنکه چهار چیز

پادشاهی را خلل دارد و ظلم میسر غفلت

وزیر خیانت دیر خواری براسین و پستم

بر حقیر باب سیستم نهم در آنکه چهار چیز

را بقا نبود حاکم ظالم دیر بخرد مال حرام

کردش ایام باب سیستم دهم در آنکه

چهار چیز عاقبت چهار چیز است عاقبت

بلجای رسوایی عاقبت خشم پشیمانی عاقبت

بدگویی دشمنی عاقبت کاهلی خواری

باب سیستم دهم در آنکه چهار چیز چهار چیز

مستام شود دانش عقل طاعت بوزع

عمل بصدق نعمت بشکر

سی و دوم در آنکه چهار چیز چهار چیز آورد

خاموشی راحت فضولی ملالت نجات

مهری شکر افزونی باب سیستم یازدهم

بسیری مجامعت کردن بسیری کرامت
غبار میوه و تدید خام خوردن بازمان
پر صحبت کردن با پسر و هم در کف
چارچسپ هر چار کس را نباشد دروغ کور را
مروت بخیل را سعادت چسود را
راحت بدخوی را مهتری باب
چلم در آنکه چارچسپ اصل سعادت
دو جهانی و مرادات جاودانیت
فرمان بردن خدا و رسول شنود بودن

ما دروید را خدمت علما و حکما شفقت بر خلق
خدای تعالی جل جلاله حق سبحانه فوق
رویت کناد بالنسب و آله الامجاد

تم

کتابه العبد الاحقر الاقر عمار دینی

غفر الله ذنوبه و غیر سیو به

فی پسته